تمدن‌اندیشی باید توحیدی، مبناگرا و معطوف به غایت باشد



در نشست نقد و بررسی کتاب عقلانیت و امامت تمدن‌ساز، حجت‌الاسلام دکتر ذبیح‌ا... نعیمیان، نویسنده اثر، بر لزوم نگاهی توحیدی و هدف‌مند به مسئله تمدن‌اندیشی تأکید کرد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نشست علمی «نقد و بررسی کتاب عقلانیت و امامت تمدن‌ساز در پرتو اندیشه‌های امام تمدن‌ساز آیت‌ا... خامنه‌ای» عصر امروز 13 خردادماه به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و با همکاری معاونت پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در محل این دانشگاه برگزار شد.

حجت‌الاسلام نعیمیان در ابتدای این نشست اظهار داشت: تمدن‌اندیشی ما باید توحیدی باشد؛ به این معنا که غایت‌مند، فکری، مبناگرا و وظیفه‌محور باشد. خلوص‌گرایی دینی نیز باید به‌عنوان اصلی بنیادین در فرایند تمدن‌سازی مدنظر قرار گیرد.

نعیمیان با اشاره به ابعاد متنوع تمدن‌اندیشی افزود: این حوزه، عرصه‌های گوناگونی همچون نظام‌های

علمی و عینی را دربرمی‌گیرد که همگی دارای عنصر دینی‌اند. به همین جهت، لازم است دانشگاه‌هایی تمدن‌ساز با ساختاری هماهنگ با این نظام‌ها ایجاد شود.

وی ادامه داد: برای دستیابی به تمدن نوین، باید نگاه کلان‌نگر داشت و نظام‌های گوناگون را در قالب یک نظام یکپارچه نگریست. تمدن‌گرایی دارای ریشه‌ها و ابعاد متنوع است، و عقلانیت تمدنی ایجاب می‌کند که از جزیی‌نگری پرهیز کرده و به سمت طراحی و بازتأسیس الگوهای کلان حرکت کنیم. رویکردهای حداقلی، پاسخگوی نیازهای امروز ما نیست.

این استاد حوزه و دانشگاه همچنین تأکید کرد: بازتأسیس تمدنی نیازمند یک فرآیند دقیق و چرخشی جدی از تجربه‌های ناکارآمد غربی و شرقی است. ما نباید در تحلیل امام جامعه به یک رهبر صرفاً سیاسی تقلیل پیدا کنیم. در جمهوری اسلامی، گاه امام جامعه را صرفاً یک مسئول سیاسی می‌پنداریم، درحالی‌که این نگاه، تقلیل‌گرایانه و ناقص است.

نعیمیان در پایان خاطرنشان کرد: نگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، نگاهی تمدن‌ساز است. اگر با این زاویه به موضوع بنگریم، می‌توانیم مقام معظم رهبری را به‌عنوان یک امام تمدن‌ساز تحلیل و تبیین کنیم.

در ادامه این نشست، دکتر امید شفیعی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، با بیان نکاتی انتقادی به ساختار و محتوای کتاب «عقلانیت و امامت تمدن‌ساز» پرداخت و اظهار داشت: متأسفانه در این اثر، انسجام نظری و روش‌شناختی دقیقی مشاهده نمی‌شود.

وی با اشاره به ایرادات ساختاری و محتوایی کتاب افزود: چهارچوب نظری کتاب و به‌ویژه بخش مقدمه با اشکالاتی همراه است و در برخی بخش‌ها نیز به لحاظ محتوایی ضعف‌هایی به چشم می‌خورد. همچنین تعداد زیادی از ادعاهای مطرح‌شده، فاقد شاخص، مدرک و استناد معتبر هستند.

شفیعی با انتقاد از حجم بالای نقل‌قول‌های طولانی در کتاب خاطرنشان کرد: استفاده مفرط از نقل‌قول‌های مفصل، بدون تحلیل کافی، انسجام متن را کاهش داده و تمرکز را از نویسنده اصلی دور می‌کند. این موضوع یکی از کاستی‌های مهم در نگارش علمی است.

وی ادامه داد: در برخی قسمت‌ها، تعمیم‌هایی صورت گرفته که لزومی نداشته است. به عنوان نمونه، از

نشانه‌های تمدنی صحبت شده، اما ارجاع دقیق و نظام‌مندی به این نشانه‌ها وجود ندارد؛ در حالی‌که شاخص‌های زندگی تمدنی باید با دقت و به‌طور مستند در متن منعکس شود.

دکتر شفیعی با اشاره به اشارات مبهم در مورد تمدن غرب گفت: در بخش‌هایی از کتاب آمده که تمدن غرب نمی‌تواند به نسبت خویش دست یابد، اما مبنای چنین تقسیم‌بندی‌ها و قضاوت‌هایی به‌روشنی تبیین نشده است. هرچند کتاب در برخی بخش‌ها تأملات ارزشمندی را ارائه می‌دهد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: در فصل سوم کتاب، مباحث مطرح‌شده از صبغه تاریخی کافی برخوردار نیستند و همین مسئله، باعث گنگی بیشتر در ارائه مطالب شده است. از سوی دیگر، نگرش تک‌بعدی نسبت به دین و تمدن نمی‌تواند پاسخ‌گو باشد و لازم است نقش‌های متفاوت ادیان با دقت بیشتری بررسی شوند.

شفیعی در پایان با طرح برخی پرسش‌های بنیادین تأکید کرد: در ارزیابی معیارهای دینی، با چالش‌هایی جدی مواجه هستیم. آیا نگاه دینی می‌تواند جهان‌شمول باشد یا خیر؟ زمانی که ما قصد داریم یک پروژه دینی را پیاده‌سازی کنیم، باید نسبت خود را با آن مشخص کرده باشیم. دین برای بازپس‌گیری این حوزه‌ها با چه موانع و چالش‌هایی روبه‌روست؟ این‌ها پرسش‌هایی است که هنوز در کتاب پاسخی روشن برای آن‌ها یافت نمی‌شود.

دکتر سید مجید مطهری‌نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، در ادامه این نشست، با اشاره به اهمیت مفاهیم عقلانیت و امامت در مطالعات تمدنی، اظهار کرد: عقلانیت و امامت می‌توانند ما را چند گام به جلو ببرند. آنچه در مطالعات تمدنی با آن مواجه‌ایم، این است که این حوزه نیازمند درک سطوح فراتر از عقلانیت رایج است.

وی ادامه داد: مطالعات تمدنی در ذات خود متکی به مفهومی بنیادین است و اینکه چه ترازی از عقلانیت در این مطالعات حضور دارد، امری تعیین‌کننده است. درک لایه‌های عمیق‌تری از مفهوم عقلانیت، یکی از الزامات توسعه مطالعات تمدن اسلامی است.

مطهری‌نژاد با اشاره به جایگاه دین در این حوزه تصریح کرد: در برخی مطالعات، تلاش شده تا تمدن دینی صورت‌بندی شود. این تلاش‌ها هرچند نتایجی در پی داشته، اما در عین حال با آسیب‌هایی نیز همراه بوده‌اند. در این میان، انقلاب اسلامی را می‌توان رخدادی ویژه دانست که توجه دوباره‌ای به

برخی لایه‌های مغفول تمدنی ایجاد کرده است.

وی سپس به مفهوم امامت به عنوان عنصر مرکزی در تمدن اسلامی اشاره کرد و گفت:مفهوم امامت، یکی از مفاهیم اصلی و بنیادین تمدنی در اندیشه اسلامی است که به‌ویژه در بیانات حضرت امیرالمؤمنین(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد. اما در مسیر تاریخی تمدن اسلامی، متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته است. علی‌رغم تلاش‌هایی که در راستای بازخوانی تمدن صورت گرفته، لایه‌های اصلی مرتبط با امامت به‌درستی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

این استاد دانشگاه با بررسی دو رویکرد رایج به تمدن اسلامی اظهار کرد: یک نگاه، تمدن تاریخی اسلام را بازتعریف کرده و آن را در ادامه تمدن نوین اسلامی می‌بیند. نگاه دیگر، به دنبال نوسازی تمدن تاریخی اسلام در کنار ساخت تمدن نوین است. در این میان، انتظار می‌رفت کتاب حاضر با ورود دقیق‌تر به این مفاهیم، به بررسی مؤلفه‌های اصلی تمدن بپردازد.

مطهری‌نژاد افزود: اگرچه در فصل پایانی کتاب، اشاراتی به نظام اراده‌های الهی شده، اما انتظار می‌رفت جنبه‌هایی مانند جامعه موحدین نیز با دقت بیشتری تحلیل شوند. به‌جای پرداختن به تعریف تمدن، کتاب به سرعت به تأکید بر اسلامی بودن تمدن می‌پردازد، بدون آنکه زمینه نظری لازم فراهم شده باشد.

وی در جمع‌بندی سخنان خود گفت: کتاب نقطه شروع مناسبی برای تأملات تمدنی فراهم کرده و در برخی بخش‌ها قابل تقدیر است، اما در ارائه یک صورت‌بندی کامل و دقیق از مطالعات تمدنی ناکام مانده است. برای نمونه، هنوز به‌درستی نمی‌دانیم که نظام سنت‌ها در کجا و چگونه مناسب است، و در مواردی مانند اربعین تمدن‌ساز، تفاوت معناداری میان برداشت کتاب و بیانات مقام معظم رهبری وجود دارد؛ مسئله‌ای که در متن کتاب در حاشیه قرار گرفته است.

در بخش پایانی این نشست، دکتر امید شفیعی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، با اشاره به اهمیت موضوع تمدن‌سازی، این پرسش اساسی را مطرح کرد که اگر تمدن‌سازی امری ذاتی در اندیشه اسلامی است، چرا امروز تحقق عینی آن را نمی‌بینیم؟ به گفته وی، این مسئله یکی از خلأهایی است که در کتاب به آن پرداخته نشده و نیازمند بررسی تاریخی و تحلیلی دقیق‌تری است.

شفیعی تأکید کرد که نباید از تعاملات تمدنی غفلت کرد و برای اثبات ادعاها در حوزه تمدن‌سازی،

ارائه‌ی ادله و شواهد تاریخی ضرورت دارد.

وی همچنین بر اهمیت تمایز میان "ظرفیت" و "تحقق" تمدنی تأکید کرد و معتقد بود که تحلیل‌های کتاب در این زمینه هنوز جای کار دارد.

شفیعی با نقد ساختار کلی اثر، بیان داشت که از منظر نظام‌بندی و زمان‌بندی، کتاب نیازمند بازنگری است و در بخش‌هایی نیز از تعابیر شعاری بیش از حد استفاده شده که می‌تواند از عمق تحلیلی اثر بکاهد.

با این حال، وی جنبه‌های مثبت کتاب را نیز برجسته کرد و گفت: ایده‌ها هرچند ذوقی هستند، اما من آن‌ها را می‌پسندم.

به اعتقاد وی، جسارت نویسنده در پرداختن به مباحث تمدنی، نگاه کلی‌نگر، و طرح مسئله عقلانیت از نقاط قوت کتاب به شمار می‌آید.

همچنین، شفیعی رویکرد تحلیلی کتاب را مثبت دانست و پیشنهاد کرد در چاپ‌های آینده، با پررنگ‌تر کردن ادبیات تمدن‌پژوهی و تعمیق مباحث تحلیلی، اثر می‌تواند به مرجعی معتبر در حوزه مطالعات تمدنی تبدیل شود

در پایان نشست، حجت‌الاسلام دکتر ذبیح‌ا... نعیمیان، نویسنده کتاب «عقلانیت و امامت؛ تمدن‌سازی در پرتو اندیشه‌های امام تمدن‌ساز»، ضمن قدردانی از نقدها و پیشنهادات مطرح‌شده، با تأکید بر رویکرد متفاوت خود در نگارش این اثر، از کتابش دفاع کرد.

وی اظهار داشت: این اثر صرفاً گردآوری بیانات یا تکرار مضامین رایج نیست، بلکه تلاشی است برای ارائه‌ی نگاهی نو در نسبت میان عقلانیت دینی، مفهوم امامت و فرآیند تمدن‌سازی اسلامی.

او همچنین خاطرنشان کرد: برخی بخش‌های کتاب با محدودیت‌هایی مواجه بوده و ممکن است انتظارات مخاطبان خاص را برآورده نکرده باشد، اما هدف اصلی اثر، طرح مسئله‌ای تازه و گشودن افق‌هایی نو در نسبت میان مفاهیم بنیادین دینی و نیازهای تمدنی معاصر است.

نعیمیان با اشاره به بهره‌گیری از تجارب تاریخی تمدن اسلامی، تلاش کرده است تا مباحث کتاب را از سطح کلی‌گویی به مرحله‌ی «زنده‌سازی» مفاهیم در بستر امروزی برساند و در عین وفاداری به منابع اصیل، خواننده را با ظرفیت‌های مغفول در تمدن اسلامی آشنا کند.